

یکشنبه 21 اپریل 2019

ارسالی: ناتور رحمانی

مصیبت

در ملک ما اساس جهالت بود ملا
 مفتخوار و یاوه گو و فلاکت بود ملا
 دست میبرد به طالب بیچاره عین خواب
 سر در هوای کار نواظت بود ملا
 هر دم چکد تفالۀ نسوار ز ریش او
 خاکش بسر که کان کثافت بود ملا
 دستخط کند به حیلة در ناف بانوان
 بنیانگزار راه رذالت بود ملا
 در جستجوی کاسه لَوای گرم و نرم
 حاضر به هر حظیره و زیارت بود ملا
 تکفیر کند مخالف خود را به مد و شد
 در فکر قبضه کردن قدرت بود ملا
 قطر شکم نموده ز اسقاط بزرگ چو خرس
 بی شرم و بی حیا و بی غیرت بود ملا
 دارد غرض به کار بد و خوب دیگران
 مشغول به کار و بار دخالت بود ملا
 پر میخورد چنان که به عارق زدن فتد
 چون بی خبر ز رسم نزاکت بود ملا

چوب و چماق ، سنگسار و شلاق حرف اوست
سرگرم جور و ظلم و قساوت بود ملا
چشمش به مال مردم و آهش بلند به لب
چونکه دچار رشک و حسادت بود ملا
هر جا که اوست ز خنده و شادی نشانی نیست
بدخو سرشت و شوم و مصیبت بود ملا
گاه آب دست فروشد و گاه دودی، گاه کلوخ
با خلق ساده دل به تجارت بود ملا
گوید که عشق علامت کفر است و کافری
پیچیده در غبار حماقت بود ملا
کی نیک بود ملا ای به جز شخص نصرالدین
"خارکش" مرا نهاد حساسیت بود ملا

شعر از "خارکش"

زنده باد ملا نصرالدین

